

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مانتلی ریویو آنلاین  
برگردان: علی اورنگ  
فرستنده: علی مشرف  
۲۶ مارچ ۲۰۲۳

## جنگ اوکراین؛ پنج دلیل برای این که چرا جنوب جهان طرف غرب را نمی گیرد



برای رهبران فکری در غرب درک این که دو سوم جمعیت جهان حاضر به حمایت از غرب در این جنگ نیستند قابل درک نیست. اما، من معتقدم که پنج دلیل برای این که چرا جنوب جهان طرف غرب را نمی گیرد وجود دارد. این دلایل را در این مقاله کوتاه مطرح می کنم

\*\*\*\*\*

در اکتوبر ۲۰۲۲، حدود هشت ماه بعد از شروع جنگ در اوکراین، دانشگاه کمبریج در انگلستان نظرسنجی هائی را هماهنگ کرد که از اهالی ۱۳۷ کشور دیدگاهشان را در مورد غرب، روسیه، و چین پرسید. یافته های این نظرسنجی ها در این پژوهش ترکیبی<sup>۱</sup> نیاز به یک تأمل جدی دارد.

\* - از ۶.۳ میلیارد نفری که در خارج از غرب زندگی می کنند، ۶۶ درصد به روسیه و ۷۰ درصد به چین نظر مثبت دارند.

\* - ۷۵ درصد پاسخ دهندگان در افریقای جنوبی، ۶۸ درصد در افریقای فرانسوی زبان، و ۶۲ درصد در جنوب شرقی آسیا اظهار کردند که به روسیه نظر مثبت دارند.

\* - افکار عمومی در عربستان سعودی، مالزی، هندوستان، پاکستان و ویتنام نسبت به روسیه مثبت باقی مانده است. این یافته ها باعث تعجب و حتی عصبانیت در غرب شده است. برای رهبران فکری در غرب درک این که دو سوم جمعیت جهان حاضر به حمایت از غرب در این جنگ نیستند قابل درک نیست. اما، من معتقدم که پنج دلیل برای این که چرا جنوب جهان طرف غرب را نمی گیرد وجود دارد. این دلایل را در این مقاله کوتاه مطرح می کنم:

۱- جنوب جهان معتقد نیست که غرب مسائش را می فهمد یا با آنها احساس همدردی می کند.

وزیر خارجه هندوستان، اس جی شناکار، در مصاحبه اخیر آن را به طور موجز و مختصر خلاصه کرد: "اروپا از این ذهنیت که مسأله اروپا مسأله جهان است، اما مسأله جهان مسأله اروپا نیست، باید بیرون بیاید." کشورهای در حال توسعه مواجه با دشواری های زیادی هستند: عواقب پاندمی، هزینه بالای بدهی ها، و بحران زیست محیطی که محیط زیست شان را ویران کرده است، مصیبت فقر، کمبود غذا، و خشکسالی ها، و هزینه بالای انرژی. با این وجود، غرب به جز حرف های توخالی در باره مسائل کشورهای در حال توسعه کار دیگری نکرده است، حتی وقتی که اصرار دارد که جنوب جهان به تحریم ها علیه روسیه بپیوندد.

پاندمی کووید بهترین مثال است. علی رغم درخواست های مکرر جنوب جهان برای شراکت مالکیت معنوی (intellectual property) واکسین ها با هدف نجات جان انسان ها، هیچ کشور غربی مایل به انجام آن نشد. افریقا هنوز پائین ترین درصد واکسیناسیون در بین همه قاره های جهان را دارا می باشد. ملل افریقانی ظرفیت تولید واکسین را دارند، اما بدون مالکیت معنوی، آنها به واردات آن وابسته باقی می مانند.

ولی کمک مورد نیاز برای افریقا از روسیه و چین رسید. الجزایر برنامه واکسیناسیون خود را در جنوری ۲۰۲۱ بعد از دریافت اولین محموله واکسین اسپوتنیک وی روس شروع کرد. مصر بعد از دریافت واکسین سینو فارم چین حدوداً همان زمان برنامه واکسیناسیون اش را شروع کرد، در حالی که افریقای جنوبی یک میلیون دوز آسترانکا از مؤسسه سروم هند دریافت کرد. در ارحنتاین، اسپوتنیک تبدیل به ستون فقرات برنامه واکسین در سطح کشور شد. همه این اتفاقات در حالی به وقوع می پیوست که غرب با استفاده از منابع مالی اش میلیون ها دوز واکسین را پیش خرید کرده، و بعد آنهایی را که تاریخ مصرفشان سپری می شد، نابود می کرد. پیغام این نوع رفتار به جنوب جهان روشن بود. پاندمی در کشورهای شما مسأله خودتان است، نه ما.

۲- تاریخ اهمیت دارد: در خلال استعمار و بعد از استقلال، کی در کجا ایستاد؟

خیلی از کشورهای امریکای لاتین، افریقا و آسیا جنگ اوکراین را از زاویه متفاوتی می بینند. آنها شاهد هستند که قدرت های استعماری سابق با عنوان متحدین غربی یکبار دیگر خود را سازمان داده اند. این اتحاد-عمدتاً، اعضای اتحادیه اروپا و ناتو یا متحدین نزدیک امریکا در منطقه آسیا و اقیانوسیه-کشورهای را شامل می شود که روسیه را تحریم کرده اند. در مقابل آن، خیلی از کشورهای آسیائی، و تقریباً همه کشورهای خاورمیانه، افریقا، و امریکای لاتین،

تلاش کرده اند که رابطه متعادل را با روسیه و غرب حفظ کنند و در حالی که از تحریم ها فاصله گرفته اند. آیا این نوع برخورد می تواند به این علت باشد که آنها تاریخ شان را در رابطه با سیاست های استعماری به یاد دارند و ضربه روحی (تروما) که با آن هنوز زندگی می کنند، اما غرب آن را عمدتاً فراموش کرده است؟

نلسون ماندلا اغلب می گفت که حمایت شوروی، هم اخلاقی و هم مادی، بود که به مردم افریقای جنوبی الهام بخشید تا رژیم آپارتاید را سرنگون کنند. به همین علت، بسیاری از کشورهای افریقای نسبت به روسیه نظر مساعدی دارند و وقتی که این کشورها به استقلال دست یافتند، این شوروی بود که علی رغم منابع محدودش از آنها حمایت کرد. سد اسوان مصر، که در ۱۹۷۱ تکمیل شد، به وسیله مؤسسه پروژه هایدرو در مسکو طراحی و عمدتاً به وسیله شوروی تأمین مالی شد. کارخانه فولاد بیلائی، یکی از بزرگترین پروژه های زیرساختی در هندوستان مستقل جدید، به وسیله شوروی در سال ۱۹۵۹ ساخته شد.

کشورهای دیگر همچنین از حمایت سیاسی و اقتصادی شوروی سابق بهره مند شدند، شامل غنا، مالی، سودان، آنگولا، بنین، اتیوپی، اوگاندا، و موزامبیک. در ۱۸ بروری ۲۰۲۳، در کنفرانس اتحادیه اروپا در آدیس آبا، اتیوپی، وزیر امور خارجه اوگاندا، حاجی اودونگو، گفت: "ما را به استعمار کشاندند و ما استعمارگران را بخشیدیم. حالا استعمارگران از ما می خواهند که دشمن روسیه بشویم، روسیه ای که هرگز ما را مستعمره خود نکرده است. آیا این قابل قبول است؟ نه، برای ما قابل قبول نیست. دشمنان آنها دشمنان خودشان است. دوستان ما دوستان خود ما هستند."

به درست یا غلط، بسیاری از کشورهای جنوب جهان روسیه امروز را جانشین شوروی سابق می دانند. کمک های شوروی را با اشتیاق به خاطر دارند و آنها حالا روسیه را به شکلی ویژه و مطلوب می بینند. با توجه به تاریخ دردناک استعمار، آیا می توان آنها را مقصر دانست؟

### ۳- جنوب جهان جنگ اوکراین را عمدتاً در رابطه با آینده اروپا می بیند تا این که کل جهان.

تاریخ جنگ سرد به کشورهای درحال توسعه یاد داده است که درگیر شدن در مشاجره های قدرت های بزرگ ریسک های عظیم با منفعت و یا پاداش ناچیز به همراه دارد. در نتیجه، آنها جنگ نیابتی اوکراین را بیشتر جنگی برای امنیت آینده اروپا می بینند تا برای آینده کل جهان. از دیدگاه جنوب جهان، جنگ اوکراین به نظر می رسد که انحراف از مسائل جدی جنوب جهان است. این مسائل شامل هزینه بالای سوخت، افزایش هزینه مواد غذایی، و تورم بیشتر، می باشد که تحریم های غرب علیه روسیه همگی آنها را تشدید کرده است.

یک نظرسنجی که اخیراً انرژی طبیعت (Nature Energy) آن را منتشر کرد، اظهار کرد که در سال گذشته بیش از ۱۴۰ میلیون نفر به خاطر بالا رفتن هزینه انرژی به فقر مطلق سوق داده شد. هزینه بالای انرژی نه تنها تأثیر مستقیم در صورتحساب های انرژی دارد، بلکه هزینه زنجیره های عرضه و در نهایت کالاهای مصرفی (شامل مواد غذایی و دیگر ضروریات) را افزایش می دهند. این تورم همه جانبه به طور اجتناب ناپذیری به کشورهای در حال توسعه بیشتر از غرب لطمه می زند.

غرب از جنگ اوکراین "تا زمانی که لازم باشد" می تواند حمایت کند. آنها منابع مالی و بازارهای سرمایه را برای اینکار در اختیار دارند، و البته آنها عمیقاً در امنیت آینده اروپا سرمایه گذاری کرده اند. اما جنوب جهان از چنان مزیتی برخوردار نیست و جنگ برای امنیت آینده اروپا این ظرفیت را دارد که امنیت کل جهان را نابود کند. جنوب جهان نگران این است که غرب در پی مذاکره برای پایان دادن به جنگ نیست، که شروع آن فرصت از دست رفته در دسمبر ۲۰۲۱ بود که روسیه پیشنهادی برای اصلاح معاهدات امنیتی برای اروپا ارائه داد که می توانست از جنگ جلوگیری کند اما غرب آن را رد کرد. مذاکرات صلح اپریل ۲۰۲۲ در استانبول همچنین به وسیله غرب رد شد که تا حدی برای "تضعیف" روسیه بود. حالا، کل جهان به ویژه جهان در حال توسعه در حال دادن هزینه برای تهاجمی می باشد که رسانه های غربی دوست دارند آن را "بدون دلیل" خطاب کنند اما احتمال جلوگیری از آن وجود داشت، و جنوب جهان همیشه آن را یک مناقشه منطقه ای به جای جهانی دیده است.

۴- امریکا دیگر تسلط بر اقتصاد جهان را ندارد یا غرب دیگر آن را رهبری نمی کند. جنوب جهان انتخاب های دیگری دارد.

چندین کشور جنوب جهان به طور روزافزونی آینده خود را در گرو کشورهایی می بینند که دیگر در حوزه نفوذ غرب نیستند. این که آیا این دیدگاه انعکاسی است از یک درک درست از تغییر در تعادل قدرت یا آرزوی معتقدان به آن، بخشی از آن سؤال بر مبنای مشاهده و تجربه است، بنابراین اجازه دهید نظری به آمار و ارقام بیندازیم.

سهم امریکا از تولیدات جهانی در سال ۱۹۹۱ از ۲۱ درصد به ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش پیدا کرد، در حالی که سهم چین از ۴ درصد به ۱۹ درصد افزایش یافت. چین بزرگترین شریک تجاری برای بیشتر جهان است و تولید ناخالص ملی اش از لحاظ برابری قدرت خرید از امریکا پیشی گرفته است. مجموع تولید ناخالص ملی بریکس (برازیل، روسیه، چین، هندوستان، و افریقای جنوبی) در سال ۲۰۲۱، ۴۲ تریلیون دالر بود، در مقایسه با ۴۱ تریلیون دالر گروه هفت (جی ۷) تحت رهبری امریکا. جمعیت ۳.۲ میلیارد نفری آنها بیش از ۴.۵ برابر کل جمعیت کشورهای گروه هفت با ۷۰۰ میلیون نفر است.

کشور های بریکس نه تنها تحریمی بر روسیه تحمیل نمی کنند بلکه اسلحه ای هم در اختیار طرف مقابل نمی گذارند. روسیه یکی از بزرگترین عرضه کنندگان انرژی و غلات غذایی برای جنوب جهان می باشد، در حالی که ابتکار کمربند و جاده چین عرضه کننده اصلی پروژه های مالی و زیرساختاری برای جنوب جهان مانده است. وقتی که موضوع تأمین مالی، غذا، انرژی، و زیرساخت باشد، جنوب جهان باید بیشتر از غرب به چین و روسیه اتکاء کند. جنوب جهان همچنین گسترش سازمان همکاری شانگهای را می بیند، کشورهای بیشتری می خواهند به بریکس ملحق شوند و بعضی از کشورها حالا با ارزهایی داد و ستد می کنند که آنها را از دالر، یورو، یا غرب دور می کند. در این میان، بعضی از کشورها در اروپا به خاطر هزینه های بالای انرژی با خطر صنعت زدائی مواجه اند. این یک آسیب پذیری اقتصادی را در غرب آشکار می کند که قبل از جنگ مشهود نبود. کشورهای در حال توسعه با توجه به

مسئولیت شان در حفظ منافع مردم خودشان، آیا عجیب است که آینده خود را بیشتر و بیشتر در رابطه با کشورهای که خارج از حوزه غرب هستند ببینند؟

**۵-** "نظم جهانی مبتنی بر قانون" اعتبار خود را از دست می دهد و درحال زوال است .

خودستائی از "نظم جهانی مبتنی بر قانون" خاکریز لیبرالیسم پسا- جنگ جهانی دوم است، اما بسیاری از کشورهای جنوب جهان آن را ساخته غرب می دانند که به طور یکجانبه به دیگر کشورها تحمیل شده است. کشورهای غیر غربی بسیار محدودی به این نظم جهانی ملحق شده اند. جنوب جهان با نظم مبتنی بر قانون مخالف نیست، اما مخالفتش با محتوای این مقررات که به وسیله غرب به وجود آمده است می باشد.

اما فرد باید پرسد که، آیا حتی نظم جهانی مبتنی بر قانون شامل غرب هم می شود؟

برای چندین دهه، خیلی ها در جهان سوم دیده اند که غرب خواسته خود را بدون توجه زیادی به قوانین به پیش برده است. غرب به چندین کشور عمدتاً بدون اجازه شورای امنیت ملل متحد حمله کرد. این کشورها شامل یوگسلاوی سابق، عراق، افغانستان، لیبیا و سوریه می باشند. تحت چه "قوانینی" این کشورها و دیگران مورد تهاجم قرار گرفتند یا نابود شدند؟ جولیان آسانژ در زندان پریشان و پژمرده شده است و ادوارد اسنودن در تبعید به سر می برد، بهای سنگینی که هر دو به خاطر داشتن شهامت در افشای حقایق در پشت این اعمال و اعمال شبیه به آن پرداخته اند.

حتی امروز، تحریم های تحمیل شده بر بیش از چهل کشور به وسیله غرب سختی و عذاب قابل ملاحظه ای را به مردم تحمیل می کند. تحت چه قانون بین المللی یا "نظم جهانی مبتنی بر قانون" غرب با استفاده از قدرت اقتصادی اش این تحریم ها را تحمیل کرد؟ چرا دارائی های افغانستان هنوز در بانک های غربی بلوکه می باشد در حالی که کشور مواجه با گرسنگی و قحطی است؟ چرا هنوز طلای ونزوئلا در انگلستان گروگان گرفته شده است در حالی که مردم ونزوئلا به سختی امرار معاش می کنند؟ واکر افشاگری سیمور هرش درست باشد، تحت چه "نظم جهانی مبتنی بر قانون" غرب خط لوله نورد استریم را نابود کرد؟

یک جابه جایی پارادایم (paradigm) به نظر می آید که در حال وقوع است. ما در حال حرکت از یک جهانی که غرب بر آن مسلط است به یک جهان چند قطبی هستیم. جنگ اوکراین و آگرایی های بین المللی را که محرک این جابه جایی است مشهود تر کرده است. بخشی از آن به خاطر تاریخ خودش است، و بخشی دیگر به خاطر واقعیات نوظهور اقتصادی می باشد، جنوب جهان یک جهان چند قطبی را به عنوان پیامد مورد ترجیحش می بیند، جهانی که صدایش در آن احتمالاً بهتر شنیده می شود.

رئیس جمهور کندی سخنرانی اش را در دانشگاه امریکن در سال ۱۹۶۳ با این کلمات به پایان رساند: "ما باید سهم خود را در برقراری صلح جهانی ادا کنیم جایی که در آن ضعیفان ایمن و قدرتمندان عادل باید باشند. ما در مقابل آن مسئولیت ناامید (یا درمانده) نیستیم. با اعتماد به نفس و بدون وا همه، ما در راستای ستراتیژی برای صلح باید بشدت کار کنیم." استراتژی صلح در ۱۹۶۳ مشکلی در مقابل ما بود، و امروز هنوز یک مشکل در مقابل ما می باشد. صدای صلح، شامل صدای صلح جنوب جهان، باید شنیده شود.

\*\*\*\*

نویسنده این مقاله: کریشن مهتا عضو هیأت کمیته امریکن برای توافق امریکا روسیه (American Committed for U.S. Russia Accord)، و پژوهشگر ارشد عدالت جهانی در دانشگاه نیل می باشد .

متن بالا برگردانی از :

[The Ukraine War viewed from the Global South](#)

Notes

۱. <https://www.bennettinstitute.cam.ac.uk/publications/a-world-divided/>